



## Consideration of the Ways of Peaceful Coexistence among Muslims from the Perspective of Sheikh Muhammad Ghazali

Qudratollah Heydari\*

### Abstract

Peaceful coexistence among Muslims is one of the most important goals and teachings of Islam and one of the fundamental concerns of contemporary reformist thinkers. Sheikh Muhammad Ghazali (1917–1996), one of the prominent thinkers of the Islamic world, has presented solutions to strengthen unity and reduce conflicts in Islamic societies by reviewing authentic Islamic sources and paying attention to the challenges of the contemporary world. The present study analyzes the ways to achieve peaceful coexistence in his thought using a descriptive-analytical method and by examining his main works. The findings show that Al-Ghazali presents the issue of coexistence in six main areas: the doctrinal-human dimension with an emphasis on the inherent dignity of man and Islamic brotherhood, the epistemological dimension with a focus on the Quran and Sunnah and understanding the purposes of religion, the socio-economic dimension with an emphasis on social justice and charity, the political dimension with a critique of tyranny and an emphasis on shura, the cultural dimension with an acceptance of jurisprudential differences and avoidance of religious prejudice, and the educational dimension with an emphasis on the right to education and empowerment of members of society, especially women. The results of the study show that Al-Ghazali's thought, by linking Islamic unity, social justice, negation of tyranny, and human development, provides a comprehensive framework for strengthening coexistence in Islamic societies.

**Keywords:** Sheikh Muhammad Al-Ghazali, peaceful coexistence, Islamic unity, religious brotherhood, social justice, negation of tyranny, critique of heresy, elimination of prejudice, women's right to education.

---

\* PhD in Contemporary Theology, Assistant Professor at the Institute of Hikmat and Religious Studies of the Al-Mustafa Al-Alamiyah university.

Email: heidari.heidari.1352@gmail.com



## راه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان از دیدگاه شیخ محمد غزالی

قدرت‌الله حیدری\*

### چکیده

همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان از مهم‌ترین اهداف و آموزه‌های اسلام و از دغدغه‌های اساسی اندیشمندان اصلاح‌گر معاصر است. شیخ محمد غزالی (۱۹۱۷-۱۹۹۶م)، از متفکران برجسته جهان اسلام، با بازخوانی منابع اصیل اسلامی و توجه به چالش‌های جهان معاصر، راهکارهایی برای تقویت وحدت و کاهش تعارضات در جوامع اسلامی ارائه کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی آثار اصلی وی، به تحلیل راه‌های تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز در اندیشه او می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که غزالی مسئله همزیستی را در شش ساحت اصلی طرح می‌کند: ساحت اعتقادی-انسانی با تأکید بر کرامت ذاتی انسان و برادری اسلامی، ساحت معرفتی با محوریت قرآن و سنت و فهم مقاصدی از دین، ساحت اجتماعی-اقتصادی با تأکید بر عدالت اجتماعی و انفاق، ساحت سیاسی با نقد استبداد و تأکید بر شورا، ساحت فرهنگی با پذیرش اختلافات فقهی و پرهیز از تعصب مذهبی، و ساحت آموزشی با تأکید بر حق آموزش و توانمندسازی آحاد جامعه به‌ویژه زنان. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه غزالی با پیوند میان وحدت اسلامی، عدالت اجتماعی، نفی استبداد و توسعه انسانی، چهارچوبی جامع برای تقویت همزیستی در جوامع اسلامی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: شیخ محمد غزالی، همزیستی مسالمت‌آمیز، وحدت اسلامی، برادری دینی، عدالت اجتماعی، نفی استبداد، نقد بدعت، تعصب‌زدایی، حق آموزش زنان.

\*. استادیار مجتمع حکمت و مطالعات ادیان، جامعه المصطفی العالمیه.

ایمیل: heidari.heidari.1352@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷

استناد به این مقاله: حیدری، قدرت‌الله (۱۴۰۴) راه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان از دیدگاه شیخ محمد غزالی، دو فصلنامه مطالعات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳، پیاپی (۷)، صص ۱۲۱-۱۴۳

## مقدمه

جهان اسلام در عصر حاضر با چالش‌های متعددی از جمله تفرقه‌های مذهبی و قومی، بحران‌های سیاسی، عقب‌ماندگی علمی و اقتصادی و فشارهای فرهنگی مواجه است. در چنین شرایطی، بازخوانی اندیشه‌های اصلاح‌گرایان مسلمان، که در پی ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت از این وضعیت بوده‌اند، اهمیتی دوچندان می‌یابد. در میان این متفکران، شیخ محمد غزالی از جایگاهی ویژه برخوردار است. او از اندیشمندان برجسته معاصر جهان عرب است که در آثار متعدد خود به مسئله وحدت مسلمانان، اصلاح دینی و مقابله با استبداد سیاسی پرداخته است.

اندیشه غزالی از این جهت اهمیت دارد که میان وفاداری به منابع اصیل اسلامی و توجه به مقتضیات زمانه نوعی تعادل برقرار می‌کند. وی از یک سو، جمود فکری، تعصب مذهبی و بدعت‌های دینی را نقد می‌کند و از سوی دیگر، با استبداد سیاسی و ساختارهای ناعادلانه اجتماعی به مقابله برمی‌خیزد. در نگاه او، تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز در جهان اسلام مستلزم اصلاح هم‌زمان در عرصه‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. یکی از ابعاد برجسته اندیشه غزالی، توجه به نقش آموزش و به‌ویژه جایگاه زنان در توسعه جامعه اسلامی است. او با استناد به منابع اسلامی، آموزش زنان و مشارکت آنان در عرصه‌های علمی و اجتماعی را نه تنها مجاز بلکه ضروری می‌داند و آن را از پیش شرط‌های تحقق عدالت اجتماعی و همزیستی پایدار معرفی می‌کند.

براساس این، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که مهم‌ترین راه‌های تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان از دیدگاه شیخ محمد غزالی چیست؟ فرضیه مقاله آن است که غزالی این راهکارها را در چند ساحت مرتبط - اعتقادی، معرفتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و آموزشی - مطرح می‌کند و با پیوند دادن این حوزه‌ها، الگویی جامع برای تقویت وحدت و کاهش تعارضات در جوامع اسلامی ارائه می‌دهد.

## روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در مرحله نخست، آثار اصلی شیخ محمد غزالی در حوزه اندیشه دینی، اجتماعی و سیاسی بررسی و مفاهیم مرتبط با مسئله همزیستی مسالمت‌آمیز استخراج شده است. سپس این مفاهیم با رویکرد تحلیل





مفهومی و مقایسه‌ای در قالب شش ساحت اصلی شامل اعتقادی-انسانی، معرفتی، فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و آموزشی طبقه‌بندی شده است. داده‌های پژوهش از منابع کتابخانه‌ای شامل آثار اصلی غزالی، پژوهش‌های معاصر درباره اندیشه او و منابع مرتبط با مباحث وحدت اسلامی و همزیستی اجتماعی گردآوری شده است. در مرحله تحلیل، تلاش شد با تبیین مبانی نظری اندیشه غزالی و بررسی مصادیق ارائه‌شده در آثار وی، چهارچوبی منسجم از راهکارهای پیشنهادی او برای تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع اسلامی ارائه شود.

### پیشینه تحقیق

درباره شیخ محمد غزالی و اندیشه‌های اصلاحی او پژوهش‌های متعددی انجام شده است. گروهی از این پژوهش‌ها به بررسی کلی اندیشه او پرداخته‌اند. برای نمونه، یوسف قرضاوی (۲۰۱۶) در کتاب «الشیخ الغزالی کما عرفته» به بررسی ابعاد مختلف شخصیت و تفکر او از منظر یک دوست و همکار پرداخته است. همچنین، مقالاتی مانند «اندیشه‌های اصلاحی محمد غزالی» (خامه‌یار، ۱۳۹۱) به صورت کلی به دیدگاه‌های اصلاح‌گرایانه وی اشاره کرده‌اند.

گروهی دیگر از تحقیقات بر جنبه‌های خاصی از اندیشه غزالی متمرکز شده‌اند. برای مثال، در حوزه اندیشه سیاسی، کتاب «الدوله و المجتمع» (هویدی، ۲۰۰۵) به بررسی دیدگاه‌های غزالی در باب حکومت و جامعه پرداخته است. در زمینه مسائل زنان، پژوهش‌هایی مانند مقاله «بازخوانی جایگاه زن در اسلام معاصر با تکیه بر آراء محمد غزالی» (فاتحی و همکاران، ۱۳۹۴) به دیدگاه‌های نوگرایانه او در این حوزه پرداخته‌اند. در حوزه اقتصادی نیز کتاب «الاسلام و الاوضاع الاقتصادية» (غزالی، ۱۹۹۷) به طور مستقیم به این موضوع می‌پردازد.

با وجود این، پژوهشی که به طور مستقل و منسجم، دیدگاه‌های غزالی را به ویژه از زاویه «راهکارهای همزیستی مسالمت‌آمیز» و با دسته‌بندی نظام‌مند در ساحت‌های شش‌گانه (اعتقادی-انسانی، معرفتی، اجتماعی-اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی) مورد تحلیل قرار دهد، کمتر به چشم می‌خورد. پژوهش حاضر تلاش دارد با ایجاد این ساختار تحلیلی، خلأ موجود را پر کرده و نشان دهد که چگونه این ساحت‌های مختلف در اندیشه غزالی به یکدیگر پیوند خورده و در نهایت، طرحی جامع برای تحقق وحدت و همزیستی در جهان اسلام ارائه می‌دهند. این مقاله با ایجاد ارتباط مستقیم میان هر ساحت و هدف نهایی یعنی همزیستی، رویکردی نو در تحلیل اندیشه این مصلح بزرگ ارائه می‌کند.

## الف) چهارچوب نظری: مبانی فکری غزالی در باب همزیستی

مفهوم «همزیستی مسالمت‌آمیز» در اندیشه غزالی ریشه در نوع نگاه او به دین، انسان و جامعه دارد. برای درک عمیق‌تر راه‌های پیشنهادی وی، لازم است مبانی نظری اندیشه او تبیین شود:

### ۱. انسان‌محوری توحیدی

غزالی با تأکید بر کرامت ذاتی انسان، هرگونه تبعیض نژادی، قومی، جنسیتی و طبقاتی را نفی می‌کند. او با استناد به آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰) معتقد است همه انسان‌ها فارغ از دین، نژاد، جنسیت و مذهب، شایسته احترام و زندگی مسالمت‌آمیز هستند. وی در کتاب «حقوق الانسان» تصریح می‌کند که امت‌های اسلامی عهد پیامبر (ص) و خلفای راشدین، اولین دولت‌هایی بودند که به اجرای اصول مساوات، عدل و کرامت انسانی به کامل‌ترین شکل همت گماشتند (الغزالی، ۱۴۰۴ق، ص ۸-۷).

### ۲. توحید به‌مثابه برنامه وحدت اجتماعی

به اعتقاد غزالی، توحید نه تنها یک مفهوم کلامی، بلکه مبنایی برای وحدت اجتماعی است. جامعه توحیدی، جامعه‌ای است که در آن بت‌های قومیت، نژاد، جنسیت و قدرت‌های استبدادی شکسته شده و همه در برابر خداوند و قانون او برابرند. او با الهام از سیره پیامبر (ص) که توانست قبایل متفرق عرب را زیر پرچم «لا اله الا الله» متحد کند، معتقد است امروز نیز مسلمانان باید با بازگشت به این اصل، اختلافات قومی و ملی‌گرایانه را کنار بگذارند (غزالی، ۱۳۶۰، ص ۳۰۸).

### ۳. اعتدال و میانه‌روی (وسطیت)

غزالی همواره از افراط و تفریط در دینداری گریزان است. او هم تفریط سکولار را نقد می‌کند که دین را از عرصه اجتماع کنار می‌نهد و هم افراط جریان‌های تندرو را که با بدعت، خشونت و تکفیر، چهره اسلام را مخدوش می‌کنند. وی در کتاب «السنه النبویه بین اهل الفقه و اهل الحدیث» به شدت به کسانی حمله می‌کند که با تمسک به ظاهر احادیث، چهره‌ای خشن و غیرجذاب از اسلام ارائه می‌دهند (الغزالی، ۱۹۹۸م، ص ۲۰۰-۲۰۵). این اعتدال، او را به دفاع از حقوق زنان در چهارچوب ارزش‌های اسلامی رهنمون می‌کند.



#### ۴. مقاصد‌گرایی و مصلحت‌اندیشی

وی بر این باور است که بسیاری از احکام و قوانین اسلامی تابع مصلحت‌های زمانی و مکانی هستند. این نگاه به او اجازه می‌دهد تا میان نص و مصلحت جمع کند و برای مسائل نوظهور راه‌حل‌های تازه‌ای بیابد. او در تحلیل اقدام عمر بن خطاب در منع مؤلفه قلوبهم از زکات، تأکید می‌کند که این «تعطیل نص» نبود؛ بلکه «تغییر مصداق» به دلیل تغییر شرایط بود (غزالی، ۱۳۹۹، ص ۶۸-۶۹). این رویکرد، راه را برای اجتهاد پویا و پاسخگویی به نیازهای زمانه از جمله در حوزه همزیستی مسالمت‌آمیز، مسائل زنان و نظام‌های اقتصادی باز می‌کند.

#### ۵. نقد استبداد به‌عنوان مانع اصلی همزیستی مسالمت‌آمیز و اصلاحات

یکی از مبانی بدیع اندیشه غزالی، پیوند زدن هم‌زمان مسائل دینی با ساختارهای قدرت است. او در کتاب «الإسلام و الإستبداد السياسي» به روشنی نشان می‌دهد که علت اصلی عقب‌ماندگی مسلمانان و پراکندگی نه صرفاً در انحراف از دین، بلکه در انباشت قدرت در دست حاکمان مستبدی است که به نام دین، مردم را به انزوا کشانده‌اند (الغزالی، ۱۹۹۷م). این نگاه، اندیشه او را از بسیاری از هم‌عصرانش متمایز می‌کند.

#### ب) راه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه غزالی

##### ۱. برابری انسانی: شالوده حقوقی و اجتماعی همزیستی

در اندیشه محمد غزالی، اسلام مکتبی است که مبانی برابری انسانی را در متعالی‌ترین شکل آن تبیین می‌کند. از نظر او، «برادری اسلامی» نه صرفاً یک شعار اخلاقی، بلکه یک اصل بنیادین حقوقی و اجتماعی است که باید در تمام ساختارهای جامعه نهادینه شود. غزالی این اصل را مستقیماً از قرآن استخراج و تأکید می‌کند که «همه بشر، فرزندان یک خانواده بزرگ هستند» (نساء، ۱ و حجرات، ۱۳) و تنوع در رنگ، زبان و نژاد، نه دلیلی برای برتری، بلکه نشانه‌ای از عظمت خداوند است (روم، ۲۲؛ غزالی، ۱۹۸۴، ص ۹ و ۱۵). براساس این، او معتقد است که اختلافات طبقاتی نیز تنها معیاری برای «آزمایش و امتحان» الهی بوده و هیچ تمایزی ذاتی برای فردی بر دیگری ایجاد نمی‌کند (غزالی، ۱۹۸۴، ص ۱۵-۲۷).

این اصل برابری مطلق، حتی در برابر پیامبران و حاکمان نیز خدشه‌ناپذیر است. غزالی بیان می‌کند که خداوند برای پیامبران خود نیز هیچ امتیازی نسبت به سایر انسان‌ها قائل



نشده، بلکه صرفاً مسئولیت و تکالیف سنگین تری بر دوش آنان نهاده است (کهف، ۱۱۰؛ غزالی، ۱۹۸۴، ص ۱۵). او با اشاره به سخن تاریخی ابوبکر پس از خلافت که گفت: «ای مردم! درست است که من حاکم شما هستم؛ ولی برتر از شما نیستم»، بر برابری کامل حاکم و شهروندان تأکید می‌کند (غزالی، ۱۹۸۴، ص ۲۰). غزالی در کتاب «لیس من الاسلام»، این آرمان را در قالب یک برادری جهانی به تصویر می‌کشد:

«اخوتی که در آن نه تعصبی برای وطن و نه هواداری از نژادی خاص و یا رنگی ویژه آمیخته باشد. اخوتی که هر نسبتی جز نسبت آدم را مردود شمارد و هرگونه برتری را جز برتری کفایت و امانت منکر گردد...» (غزالی، ۱۹۹۸، ص ۱۶). اوج این نگرش در تأکید او بر برابری همگان در برابر قانون تجلی می‌یابد. او تصریح می‌کند: «از آنجاکه همه افراد - چه مؤمن و چه کافر - در برابر قانون برابرند، هیچ‌کس بر دیگری امتیاز و اولویت ندارد. در برابر قانون نه تنها تفاوت‌های دینی، بلکه تفاوت‌های طبقاتی و نژادی نیز رنگ می‌بازد» (غزالی، ۱۹۸۴، ص ۲۸۰). غزالی برای اثبات این ادعا به حدیث مشهور پیامبر استناد می‌کند که فرمود: «اگر فاطمه، دختر محمد، دزدی کند، دستش را قطع می‌کنم» (غزالی، ۱۹۸۴، ص ۲۸۰). از دیدگاه او، جامعه‌ای که بر چنین شالوده‌ای از برابری مطلق بنا شود، به‌طور طبیعی زمینه را برای تحقق یک زندگی مسالمت‌آمیز و همزیستی پایدار فراهم می‌آورد.

#### ۱-۱. نقد تبعیض نژادی در برابر آموزه برابری

غزالی برای نشان دادن تفاوت فاحش میان نگاه اسلام به برابری و وضعیت موجود در تمدن غربی معاصر، به تحلیل شرایط نژادی در آمریکا می‌پردازد. وی با استناد به کتاب‌ها و اسناد تاریخی، تصویری تکان‌دهنده از تبعیض نژادی علیه سیاه‌پوستان در ایالات متحده ارائه می‌دهد. نویسنده آمریکایی «آلبرت. ا. کان» می‌نویسد: «انسان می‌تواند تصویری واقعی از حالت رنگین‌پوستان در ولایات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم به دست آورد؛ البته اگر بداند که سرکوب آنان در واقع، بخشی از سیاست دولت است که قانون اساسی بسیاری از ایالات بر آن تصریح دارد» (غزالی، ۱۹۹۸، ص ۱۸ و ۱۳۹۴، ص ۲۴).

غزالی فقراتی از قانون اساسی ایالت می‌سی‌سی‌پی را نقل می‌کند که جداسازی کودکان سفیدپوست از سیاه‌پوست در مدارس، جداسازی زندانیان و باطل اعلام کردن ازدواج میان سفید و سیاه را الزامی می‌کرد. در یکی از شگفت‌آورترین مواد این قانون آمده بود: «هرکسی که اقدام به چاپ، نشر یا توزیع منشوراتی کند که در آنها از مردم مساوات





اجتماعی و ازدواج میان سیاه و سفید خواسته شده باشد... این کارش عملی قبیح شمرده می شود که پیگرد قانونی دارد» (غزالی، ۱۹۹۸، ص ۱۸-۱۹ و ۱۳۹۴، ص ۲۵).

وی در مقابل، تصویری از عزت و برابری در سرزمین های اسلامی ارائه می دهد: «فرق زیادی است بین این بردگان نگون بخت در تمدن جدید و پدران شان که در سرزمین های اسلامی عزت یافته بودند... برابری میان نژادهای مختلف در سایه برادری راستین و نادیده گرفتن فرقه های رنگ و ظاهر... بلکه مرد سفیدپوست پشت سر امام سیاهپوست به نماز می ایستد؛ زیرا علم و فضل او را مقدم گردانیده است؛ و این چیزی نیست جز آثار اسلام و پختگی تعالیمش که به ارث مانده است» (غزالی، ۱۹۹۸، ص ۲۰-۲۱ و ۱۳۹۴، ص ۲۷-۲۸).

این تأکید بر کرامت ذاتی و برابری حقوقی انسان ها، فارغ از نژاد و طبقه، زیربنای روان شناختی و اجتماعی همزیستی مسالمت آمیز را فراهم می کند. وقتی افراد یکدیگر را برادر و برابر بدانند، ریشه های اصلی کینه، تحقیر و نزاع از میان می رود و زمینه برای پذیرش و همکاری متقابل هموار می شود.

## ۲. قرآن و سنت: مصادر وحدت بخش و روش فهم صحیح

غزالی معتقد است که نخستین مصدر و منبع آموزش اسلام قرآن بوده و در میان سایر منابع و مصادر به منزله «تنه درخت» بوده که دیگر مصادر «شاخه ها»ی آن است (غزالی، ۱۴۱۸ق- ۱۹۹۸م، ص ۲۶). او تصریح می کند بازگشت به قرآن می تواند مسلمانان را از اختلافات بی حاصل فرعی رهایی بخشد. وی با تشبیه جایگاه قرآن به تنه درخت و دیگر مصادر به شاخه ها، برتری و محوریت آن را یادآور می شود و تأکید می کند که در قانون اساسی اسلام نمی تواند چیزی وجود داشته باشد که با قرآن مخالفت داشته باشد (غزالی، ۱۳۹۴، ص ۳۶).

### ۲-۱. نگاه غزالی به رابطه قرآن و سنت

نقش سنت در کنار قرآن، نقشی تکمیلی و تبیینی است. غزالی رابطه قرآن و سنت را به رابطه قانون اساسی یک جماعت با نشریه رسمی آن تشبیه می کند. سنت، سخن و سیره ۲۳ ساله پیامبر (ص) است که باید با توجه به شرایط، مخاطب و زمان صدور آن فهمیده شود. وی می نویسد: «تنها این مهم نیست که بدانیم چه گفته است، بلکه مهم این است که بدانیم چگونه، کی و با چه کسی گفته است؟ مراعات این ملاحظات به یقین یاری بر فهم عمیق و درست سنت خواهد کرد» (غزالی، ۱۳۹۴، ص ۳۹)؛ و فهم درست سخن و سنت پیامبر اسلام در پرتو آموزه های قرآنی زمینه ای همزیستی مسالمت آمیز را میان مسلمانان فراهم خواهد نمود.

## ۲-۲. نقد رویکردهای ظاهرگرایان

غزالی در کتاب «السنه النبویه بین اهل الفقه و اهل الحدیث» به نقد جریان‌های افراطی اهل حدیث می‌پردازد که بدون توجه به مقاصد شریعت و شرایط زمانی، به ظاهر احادیث تمسک می‌جویند (غزالی، ۱۹۹۸م، ص ۲۰۰-۲۰۵). او معتقد است این رویکرد، چهره‌ای خشن و غیرمنعطف از اسلام ارائه می‌دهد که با روح کلی دین سازگار نیست. وی همچنین بر نقش عقل در فهم دین تأکید می‌کند و می‌نویسد:

«مسلمان انسانی است با عقلانیتی شایسته که حقیقت را فقط از سرچشمه‌های آن می‌جوید و هرگاه آن را شناخت، به آن ملتزم می‌شود... در دل او جایی برای انگاره‌ها و اوهام نیست» (غزالی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲؛ نیز ر.ک: غزالی، ۱۹۹۸م، ص ۲۳۵) و عقلانیت است که همگرایی در جامعه اسلامی را نهادینه می‌کند.

## ۳. پرهیز از بدعت و افراط‌گری

یکی از موانع مهم همزیستی مسالمت‌آمیز، بدعت‌ها و امور نوپیدایی است که به نام دین به آن اضافه شده و چهره تابناک آن را تیره کرده است. غزالی این پرسش را مطرح می‌کند که چرا انسان از نزد خود امور جدیدی آورده و با مخلوط کردن آنها با دین، بر آنها نیز جامعه قداست می‌پوشاند (غزالی، ۱۳۹۴، ص ۸۱).

### ۳-۱. تعریف بدعت و مرزهای آن

غزالی با استناد به حدیث نبوی «کل بدعه ضلاله و کل ضلاله فی النار» تأکید می‌کند که هر نوآوری در دین مردود است؛ اما او میان بدعت در دین و نوآوری در امور دنیوی تفاوت قائل می‌شود. از نظر وی، بدعت به اموری اطلاق می‌شود که به‌عنوان جزء دین معرفی شوند؛ درحالی‌که دین از آنها بیزار است؛ اما نوآوری در علوم، فنون، صنایع و روش‌های زندگی نه تنها بدعت نیست، بلکه موردستایش، که گاه واجب کفایی است (همان، ص ۹۴-۱۰۰).

### ۳-۲. ریشه‌های بدعت‌گرایی

غزالی ریشه‌های بدعت‌گرایی را در چهار عامل اصلی جستجو می‌کند:

- جهل و نادانی: ناآگاهی از منابع اصیل دین مانند زبان عربی، احادیث صحیح و جایگاه قیاس در تشریح، موجب روی آوردن بسیاری به خرافات و بدعت شده و در نتیجه، باعث جدایی و پراکندگی در میان مسلمانان می‌شود (همان، ص ۱۳۲-۱۳۳).





- غلو در دینداری: مبالغه و افراط در دینداری، زمینه‌ساز بدعت است؛ زیرا بدعت‌گذاری نوعی شریعت‌سازی نارواست که با دین تفاوت دارد. این رویکرد در بسیاری موارد، مانع از همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه می‌شود (همان، ص ۱۱۱).

- قدرت‌طلبی و پیروی از هوای نفس: برخی بدعت‌ها برای کسب قدرت یا منافع شخصی پدید می‌آیند و به‌مرور تقدس می‌یابند. در اینجا، هوای نفس جایگزین دلیل شده و از آموزه‌های دینی برای توجیه سلطه‌گری و جبرگرایی سوءاستفاده می‌شود (همان، ص ۱۳۷-۱۳۸).

- خوش‌بینی بیجا به عقل: اعتماد افراطی به عقل در امور شرعی، درحالی‌که عقل از محدودیت‌هایی برخوردار است و به‌کنه بسیاری از حقایق دسترسی ندارد، خطاست. بنابراین، در امور فراتر از درک عقل، چاره‌ای جز مراجعه به پیامبر (ص) (که مورد تأیید خداوند است) نیست (همان، ص ۱۳۸-۱۳۹).

در اندیشه شیخ محمد غزالی، بنیان‌های معرفت‌شناختی نقشه راه تحقق همزیستی است. او با محور قرار دادن قرآن به‌عنوان منبع مشترک، به‌کارگیری عقلانیت نقاد برای پالایش اندیشه دینی از تکفیر و افراط، و تأکید بر فهم مقاصد شریعت (عدالت و رحمت) به‌جای ظاهرگرایی قشری، چهارچوبی استوار برای گفت‌وگو می‌سازد. این رویکرد، با عبور از منازعات فرعی و مبارزه با برداشت‌های سطحی، که به تفرقه دامن می‌زنند، ظرفیت دین را برای پذیرش تنوع فکری افزایش داده و زمینه همزیستی پایدار را میان مسلمانان فراهم می‌کند.

#### ۴. عدالت اجتماعی و انفاق؛ بستر اقتصادی همزیستی

از دیدگاه غزالی، همزیستی مسالمت‌آمیز بدون تأمین نیازهای مادی و اقتصادی ممکن نیست. او خودخواهی را به آتشی تشبیه می‌کند که هر چه مواد سوخت آن افزون شود، اشتعالش افزایش می‌یابد و انسان را از یاد حق خدا و حقوق بندگان بازمی‌دارد (همان، ص ۳۰).

#### ۱-۴. مبانی نظری عدالت اجتماعی در اسلام

غزالی با استناد به آیات قرآن، عدالت اجتماعی را یکی از ارکان اساسی جامعه اسلامی می‌داند. وی به آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰) استناد می‌کند و معتقد است که عدالت، مبانی همه روابط انسانی است. او همچنین به آیه «فَأَنْجَاؤُكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ

بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده، ۴۲) اشاره می‌کند که عدالت حتی در مورد غیرمسلمانان نیز باید رعایت شود (غزالی، ۲۰۰۵، ص ۲۱۷).

#### ۴-۲. جایگاه عدالت اجتماعی در حکومت

انبیاء، صدیقان، شهدا و صالحان می‌دانند که منزلتشان برتر از کسی است که روزها را به روزه و شب‌ها را به نماز می‌گذرانند؛ زیرا خیر و شر دنیا و آخرت بندگان به دست او و بسته به عمل اوست. حاکمی که برای دستیابی به مال و ثروت و برتری بر بندگان خدا و دیگر علایق دنیوی، قدرت را به دست بگیرد، بدتر از دزد (قطاع طریق) و قاتل است و عذاب وی مضاعف و شدید است. نه تنها شخص حاکم، بلکه همه عمال حکومت نوعی خلافت عامه هستند که اگر صرفاً برای منافع خود عمل کنند و مصلحت و منافع مردم را وانهند، مجرم و گناهکارند. این افراد در روز قیامت آرزو می‌کنند که ای کاش هیچ مسئولیتی را برعهده نمی‌گرفتند (همان، ص ۱۹۶-۱۹۷).

غزالی عدالت اجتماعی را در حکومت مستبد منتفی دانسته و معتقد است که استبداد سیاسی، موازین عدالت را برهم می‌زند و قضاوت را به‌ویژه در موارد مربوط به خود و یارانش دچار اختلال می‌کند. در چنین حکومتی نه قاضی واقعی وجود دارد و نه دادگاه عادلانه؛ بلکه کمیته‌هایی با تشریفات صوری احکام خود را صادر می‌کنند (غزالی، ۲۰۰۵، ص ۱۳۵) و سرکوب معترضان شدید است. اگر مخالفت تنها به صورت عدم وفاداری باشد، شاید به عزل از مشاغل اکتفا شود؛ اما اگر بقای حکومت را تهدید کند، آزار و اذیت، زندان، شلاق، شکنجه و حتی قتل به کار گرفته می‌شود (همان).

برخی گمان می‌کنند فساد تنها در پرونده‌های سیاسی و سرکوب مخالفان خلاصه می‌شود؛ اما این تصویری دور از واقعیت است؛ زیرا حاکمیت فردی اخلاق پستی را در تمام نقاط جامعه رواج می‌دهد. تقلب در انتخابات که مایه دروغ و سکوت در برابر حق است و همچنین، اعطای مقام به خویشاوندان و چاپلوسان، از مصادیق آن است. این رویکرد موجب عقب‌نشینی پرهیزکاران و پیشی گرفتن فاسدان می‌شود و منفعت‌طلبی را فلسفه خوشبختی قرار می‌دهد؛ امری که آبرو و دین جامعه را نابود می‌کند (همان، ص ۱۳۹).

#### ۴-۳. عدالت اجتماعی؛ زیربنای عملی همزیستی پایدار

در چهارچوب اندیشه سیاسی - اجتماعی شیخ محمد غزالی، استقرار عدالت اجتماعی توسط حاکمیت، صرفاً یک آرمان اخلاقی نیست، بلکه پیش شرط بنیادین و زیربنای اصلی





برای شکل‌گیری همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه اسلامی است. از دیدگاه او، زمانی که حکومت به‌منابه نهادی مسئول، حقوق شهروندان را بدون تبعیض تضمین می‌کند، ثروت‌های عمومی را به‌صورت منصفانه توزیع می‌نماید و قانون را بر همگان یکسان اجرا می‌کند، یک قرارداد اجتماعی نانوشته مبتنی بر اعتماد عمومی شکل می‌گیرد. این امر به‌طور مستقیم احساس غبن، محرومیت و حاشیه‌نشینی را، که اصلی‌ترین خوراک برای رشد افراط‌گرایی و منازعات داخلی است، از میان برمی‌دارد و زمینه را برای هم‌پذیری و تقویت همبستگی اجتماعی فراهم می‌کند.

غزالی برای اثبات اینکه این دیدگاه صرفاً یک نظریه انتزاعی نیست، به نمونه‌های تاریخی در تمدن اسلامی استناد می‌کند. او به وثیقه تاریخی «سند وقف شفاخانه قلاوون» در مصر (متعلق به هفت قرن پیش) اشاره می‌کند که در آن تصریح شده است: «این بیمارستان ایجاد شده است تا برای مداوای بیماران مسلمان استفاده شود؛ چه زن و چه مرد، چه سرمایه‌دار و چه فقیر و نیازمند... از نژادهای متفاوت... بدون در نظر گرفتن دور و نزدیک یا خودی و بیگانه» (غزالی، ۱۳۹۴، ص ۳۳).

وی با تحلیل این سند نشان می‌دهد که چگونه یک نظام مبتنی بر عدالت، به شکل عملی پیاده شده است؛ نظامی که بر جامعیت (خدمت‌رسانی به همگان فارغ از جنسیت، نژاد و طبقه)، عدالت‌محوری (رسیدگی یکسان به فقیر و غنی)، کیفیت‌گرایی (تدارک غذای مناسب برای هر بیمار)، حرفه‌ای‌گرایی (تأمین حقوق پزشکان) و حتی توسعه‌یافتگی (رسیدگی به بیماران نیازمند در منازل) استوار بوده است (همان). این الگو، تجسم عملی اندیشه اوست که عدالت اجتماعی را ضامن ثبات و همزیستی می‌داند.

##### ۵. نفی استبداد سیاسی به‌عنوان مانع اصلی همزیستی

بدون تردید، مهم‌ترین و بدیع‌ترین بخش اندیشه غزالی، پیوند زدن هم‌زمان وحدت اسلامی با مبارزه با استبداد سیاسی است. او در کتاب «الإسلام و الإستبداد السياسي»، حکومت‌های استبدادی را عامل اصلی عقب‌ماندگی و تفرقه مسلمانان معرفی می‌کند. به اعتقاد وی، استبداد، مانع شورا و مقدمه بی‌عدالتی است. او می‌نویسد: «اساساً اسلام و استبداد دو ضد هستند که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. تعالیم دین به توحید و عبادت صرف پروردگار منتهی می‌شود؛ اما استبداد مردم را به دوگانه‌پرستی سیاسی سوق می‌دهد» (الغزالی، ۱۹۹۷م، ص ۱۷).

غزالی معتقد است که ملک و حکومت از نظر اسلام مقید و محدود است. در غیر این صورت هم به طغیان و عصیان پروردگار منجر می‌شود<sup>۱</sup> و هم ظلم به مردم و فساد در روی زمین را به دنبال دارد.<sup>۲</sup> در قرآن مکرر آمده است که قدرت اگر محدود نشود، فساد آور است و نیز بیان شده که قدرت مطلق باعث تکبر حاکم و تحقیر مردم است، حال آنکه دولت‌ها باید خادم مردم و مجری منافع آنها باشند (النحل، ۶؛ البقره، ۲۵۸؛ الغزالی، ۱۹۹۷م، ص ۶۰-۷۰؛ همو، بی‌تألف، ص ۸۶).

#### ۱-۵. شورا به عنوان سازوکار تحقق همزیستی

مهم‌ترین و مؤثرترین سازوکار برای تضمین همزیستی و جلوگیری از استبداد، شورا است. غزالی شورا را امری لازم و ضروری می‌داند و معتقد است اقرار به وجوب آن در حد اجماع است. در نظر او نظام اسلامی دارای دو مبنای اساسی است: عدل و شورا. از این رو حکومت و سلطه فرد بر جامعه، خیانت به اسلام است (عویس، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲۰). از نظر غزالی، شورا امری اختیاری نیست؛ بلکه یک واجب عینی برای جامعه است. اختیاری دانستن شورا دو پیامد منفی به دنبال دارد: اول، بالا بردن قدرت حاکم و تعالی او تا حد پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و حتی خدا؛ دوم، وانمود کردن عدم التزام پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) به شورا. در حالی که پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) در تمام امور حکومتی از جمله جهاد (برای مثال غزوه احد، بدر، خندق و...) به شورا اهتمام می‌ورزید و برای آن ارزش قائل بود. پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) در صلح حدیبیه فرمود: تا جایی که پای وحی در میان نباشد با من مشورت کنید. در قرآن اصل شورا میان دو اصل واجب دیگر، یعنی نماز و انفاق قرار گرفته است که خود دلالت بر وجوب شورا دارد (الشوری، ۳۸؛ آل عمران، ۱۵۹؛ همان‌جا).

#### ۲-۵. شورا و دموکراسی؛ زمینه‌های همگرایی

در نگاهی جسورانه و مترقی، غزالی به مقایسه دموکراسی غربی با «شورا» در اسلام می‌پردازد و اذعان می‌کند که غربی‌ها در عمل به شورا از مسلمانان پیشی گرفته‌اند. او می‌نویسد: «آنچه در کشورهای عربی و اسلامی جاری است، دموکراسی نیست؛ بلکه حکومت امر واقع است؛ در حالی که آنچه در غرب جریان دارد، تا حد زیادی به شورای

<sup>۱</sup> أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكََ (البقره، ۲۵۸).

<sup>۲</sup> ان الملوک اذا دخلوا قریه افسدوها و جعلوا اعزہ اهلها اذله و کذلک یفعلون (نمل، ۳۴).





اسلامی نزدیک است. به‌عنوان مثال، آنچه در انگلستان به نام دموکراسی وجود دارد، با آموزه‌های اسلامی شورا شباهت دارد. حاکم پس از پایان دوران زمامداری، مانند سایر مردم در میان جامعه حضور می‌یابد و از مردم هراسی ندارد؛ حال آنکه حاکم اسلامی معمولاً با مرگ یا ترور کنار می‌رود» (عبدالسمیع، ۱۴۲۱ق، ص ۱۸-۱۹).

از منظر شیخ محمد غزالی، ساختار سیاسی حاکم بر جامعه، تأثیری مستقیم و تعیین‌کننده بر کیفیت روابط اجتماعی و امکان تحقق همزیستی دارد. در این میان، استبداد به‌عنوان یک الگوی حکمرانی ویرانگر، با منطق قدرت انحصاری و سرکوب‌گر خود، اساساً جامعه را از حالت یکپارچه به یک وضعیت دوپارگی تقابلی میان «حاکم» و «محموم» فرو می‌کاهد. این نظام با ایجاد یک فضای دائمی خفقان و بی‌اعتمادی، ارتباطات سالم اجتماعی را از بین برده و با حذف هرگونه مجرای قانونی برای نقد و مشارکت، بذر کینه، خشونت و تفرقه را در لایه‌های مختلف اجتماع می‌پاشد. در واقع، آرامش حاکم بر یک جامعه استبدادی، آرامشی کاذب و مبتنی بر ترس است، نه همزیستی مبتنی بر رضایت و احترام.

در نقطه مقابل این الگوی ویرانگر، غزالی نظام سیاسی مطلوب را بر اصل بنیادین شورا استوار می‌داند. شورا صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست؛ بلکه یک مکانیسم ساختاری برای گذار از استبداد به حکومت قانون و مشارکت است. این نظام با فراهم آوردن امکان مشارکت همگانی در سرنوشت سیاسی، توزیع متوازن قدرت میان نهادهای مختلف و مهم‌تر از همه، نهادینه کردن اصل پاسخگویی حاکمان در برابر مردم، به‌طور مؤثری از انباشت کینه‌ها و عقده‌های فروخورده جلوگیری می‌کند. در چنین ساختاری، اختلافات سیاسی و اجتماعی به رسمیت شناخته شده و کانال‌های نهادینه‌ای برای بیان و حل مسالمت‌آمیز آنها فراهم می‌شود. بنابراین، نظام شورایی بستری سیاسی و حقوقی ایجاد می‌کند که در آن، همزیستی پایدار میان همه شهروندان، فارغ از گرایش فکری یا جایگاه اجتماعی آنها، از یک آرمان دوردست به یک واقعیت قابل تحقق تبدیل می‌شود.

## ۶. پذیرش طبیعی بودن اختلاف‌نظر فقهی و پرهیز از تعصب مذهبی

یکی از مهم‌ترین راه‌های همزیستی از دیدگاه غزالی، پذیرش این واقعیت است که اختلاف‌نظر میان فقها و مذاهب اسلامی امری طبیعی، اجتناب‌ناپذیر و حتی مطلوب است. او می‌نویسد: «من تعدادی از اختلافاتی را که بین علمای اهل سنت در مورد روایت پیش‌آمده است، بررسی کرده‌ام و دریافته‌ام که اهمیت آنها کمتر از اختلاف‌نظر بین فقها



نیست... معنای همه اینها چیست؟ یعنی اختلاف نظرها و مکاتب فکری مختلف چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت یا رد کرد؛ زیرا این روش خداوند با روح و روان است» (غزالی، ۲۰۰۵ الف، ص ۱۱۲).

### ۱-۶. ارج گذاشتن به دیدگاه مخالف

فقیهان و مجتهدان با وجود اختلاف نظر، بر احترام متقابل و آزادی ابراز مخالفت تأکید دارند. مالک بن انس مردم را به پیروی کورکورانه از خود وادار نمی‌کرد و عبدالله بن مسعود نیز برای پرهیز از اختلاف، به نیت تبعیت از عثمان، نماز را به شیوه‌ای که با دیدگاه خود تفاوت داشت، اقامه کرد (غزالی، ۲۰۰۵، ص ۱۱۳). احمد بن حنبل با وجود اینکه حجامت را مبطل وضو می‌دانست، گفت: چگونه پشت سر بزرگانی چون مالک و سعید بن مسیب نماز نخوانم؟ ابویوسف نیز برخلاف مذهب خود، به خلیفه‌ای که بر فتوای مالک پس از حجامت بدون تجدید وضو نماز می‌خواند، اقتدا کرد (غزالی، ۲۰۰۵ الف، ص ۱۱۳-۱۱۴).

شافعی نیز برای رعایت ادب و دوری از اختلاف، در نماز جماعت با حنفیان قنوت را ترک کرد. اگرچه او قرائت فاتحه را رکن می‌دانست، اما در این نماز آن را زیر لب خواند. این رفتار نشان می‌دهد که اجتهاد هر عالم تنها برای خودش الزام‌آور است و پاداش الهی شامل حال هر دو دیدگاه می‌شود؛ بنابراین نباید این اختلافات فقهی مایه فتنه و دشمنی شود (همان). غزالی با یادآوری این موارد تاریخی به نحوی تأکید می‌کند که نباید تفاوت در یک موضوع فقهی ما را از هم دور نماید.

### ۲-۶. نقد تعصب مذهبی

غزالی به شدت با تعصب مذهبی مخالف است و آن را یکی از موانع اصلی همزیستی می‌داند. وی در این باره می‌نویسد: «در دوران ما تعصب مذهبی گسترش یافته است؛ همان‌گونه که بی‌سلیقگی و کودنی در فهم سنتی شایع شده است» (غزالی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۸). وی از کسانی که به پیشوایان مذهبی طعنه می‌زنند، به شدت انتقاد می‌کند و این کار را حماقت می‌خواند (همان، ص ۸۰).

او حتی از تجربه شخصی خود در دفاع از فتوای تاریخی شیخ شلتوت، شیخ الازهر، درباره به رسمیت شناختن مذهب شیعه جعفری یاد می‌کند. او در برابر یک فرد عادی که به این فتوا اعتراض کرده بود، با صبر و حوصله نشان می‌دهد که شیعیان نیز مانند اهل سنت



نماز می‌خوانند، روزه می‌گیرند، قرآن می‌خوانند و حج می‌روند و اختلافات ناشی از ناآگاهی و تبلیغات مغرضانه است (غزالی، ۱۳۶۰، ص ۲۹۹).

این رویکرد فرهنگی، دیوارهای بلند تعصب مذهبی را، که عامل اصلی درگیری‌های تاریخی میان مسلمانان بوده، فرو می‌ریزد. پذیرش کثرت‌گرایی فقهی و احترام به دیدگاه مخالف، فضای گفت‌وگو و تفاهم را جایگزین تکفیر و نزاع می‌کند و به مسلمانان می‌آموزد که می‌توانند با وجود اختلافات فقهی، برادرانه و در صلح در کنار یکدیگر زندگی و برای اهداف مشترک همکاری کنند.

#### ۷. همکاری بر محور مشترکات و پرهیز از مشاجره بر سر جزئیات

غزالی معتقد است مسلمانان به جای تمرکز بر نقاط اختلاف، باید بر مشترکات فراوان خود تکیه کنند و برای تحقق آنها همکاری نمایند. او با طرح یک پرسش کلیدی می‌نویسد: «مسلمانان در مورد چیزهای زیادی اتفاق نظر دارند، پس چرا برای دستیابی به آنها با هم همکاری نمی‌کنند؟ من معتقدم که اگر آنها در این مورد متحد شوند، وقت ندارند که در مورد مسائل جزئی اختلاف نظر داشته باشند و اگر در مورد اختلاف نظر داشته باشند، وقت ندارند که این اختلاف نظر را به جنگ سرد یا گرم تبدیل کنند...» (غزالی، ۲۰۰۵ الف، ص ۱۱۲). او مشترکات را چنین برمی‌شمارد: ایمان به خداوند و دیدار او، شنیدن و فرمان بردن از او، به‌جای آوردن ارکان عبادی، پرهیز از گناهان و محظورات مورد اتفاق و ساختن نفوس بر پایه مکارم اخلاق (غزالی، ۱۳۹۹، ص ۸۱). این رویکرد دقیقاً همان «قاعده طلایی» مورد تأکید اندیشمندان تقریب است: «نتعاون فیما اتفقنا فیه و یعذر بعضنا بعضا فیما اختلفنا فیه».

#### ۸ آموزش همگانی؛ نقشه راه محمد غزالی برای تحقق همزیستی پایدار

در منظومه فکری شیخ محمد غزالی، آموزش فرآیندی تحول‌آفرین است که از ژرفای وجود فرد آغاز شده و به ساختار یک جامعه عادل و همپذیر منتهی می‌شود. همزیستی مسالمت‌آمیز از نگاه او یک آرمان دست‌یافتنی است، مشروط بر آنکه سنگ بنای آن بر «تربیت صحیح عقلی و اخلاقی» گذاشته شود. اندیشه او در این ساحت، نه مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های پراکنده، بلکه یک نقشه راه منسجم است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان از ضعف ذاتی انسان، شهروندی مسئول و از جامعه‌ای مستعد تفرقه، امتی واحد و آگاه ساخت.



## ۸-۱ حق آموزش همگانی؛ سنگ بنای همزیستی

یکی از برجسته‌ترین و زیربنایی‌ترین ابعاد اندیشه اصلاحی غزالی، تأکید بر «حق همگانی آموزش» به‌عنوان پیش‌شرط اساسی برای جامعه‌ای متحد و همزیست است. او آموزش را نه یک امتیاز طبقاتی، بلکه یک «حق طبیعی و ذاتی» برای تمام آحاد جامعه، فارغ از جنسیت و طبقه اجتماعی می‌داند.

رابطه با همزیستی: غزالی ریشه بسیاری از منازعات اجتماعی را در «جهل مرکب» نسبت به خود و دیگری می‌داند. از نگاه او، آموزش ابزاری برای «تولید زبان مشترک» میان بخش‌های مختلف جامعه است. وقتی جامعه‌ای از نظر فکری توانمند شود، «تعصب کورکورانه» جای خود را به «گفت‌وگوی حکیمانه» می‌دهد. در واقع، حق آموزش، پلی است که فرد را از پیله تنگ غریزه و تعصب خارج کرده و به ساحت «شهروندی آگاه» وارد می‌کند؛ شهروندی که حقوق خود را می‌شناسد و به حقوق دیگران احترام می‌گذارد و این اساس همزیستی است. او معتقد است: ایمان بدون پشتوانه معرفتی، لرزان و مستعد انحراف به‌سوی افراط‌گرایی است و دانش‌افزایی، ضامن سلامت دین و دنیای فرد خواهد بود (غزالی، ۲۰۰۵ الف، ص ۲۰۴).

## ۸-۲ آموزش به‌مثابه گذار به «وجود اخلاقی»

در نگاه غزالی، انسان در بدو خلقت، صرفاً یک «کالبد زیستی» است که برای رسیدن به مرتبه «انسان اخلاقی»، به «غذای منظم دانش» نیازمند است. این فرآیند آموزشی، با گسترش افق دید انسان و روشن ساختن شبکه پیچیده «حقوق و وظایف» متقابل در جامعه، ذهن فرد را از مدار تنگ «خودمحوری» به افق گسترده «دیگرپذیری» و فهم مسئولیت اجتماعی ارتقا می‌بخشد. این گذار، همان چیزی است که غزالی از آن به شکل‌گیری «وجود اخلاقی» انسان تعبیر می‌کند؛ هویتی که او را شایسته زندگی اجتماعی مسالمت‌آمیز می‌کند (غزالی، ۲۰۰۵ ب، ص ۱۷۷).

رابطه با همزیستی: از دید غزالی، مانع اصلی صلح و همزیستی، بیماری مهلکی به نام «کندذهنی فکری» (البَلَادَةُ الْفِکْرِيَّة) است. این عارضه، نوعی تنبلی ذهنی اکتسابی است که ذهن را در برابر هرگونه اندیشه نو قفل می‌کند. فرد مبتلا به این عارضه، به‌جای استدلال به «برچسب‌زنی» و به‌جای گفت‌وگو به «تکفیر» و خشونت پناه می‌برد. آموزش، پادزهر این جمود فکری و تنها راه پرورش ذهنیتی است که توانایی پردازش دیدگاه‌های مخالف و برقراری ارتباط انسانی سالم را دارد و به‌این‌ترتیب، امکان همزیستی را فراهم می‌آورد.



### ۳-۸ توانمندسازی زنان: ستون فقرات انسجام اجتماعی

از منظر غزالی، سخن گفتن از همزیستی در جامعه‌ای که نیمی از بیکره آن، یعنی زنان، در ناآگاهی فکری، اجتماعی و سیاسی فلج شده باشد، پروژه‌ای ذاتاً شکست خورده است. او با نگاهی رادیکال و پیشرو، جایگاه دانش برای زنان را از یک «زینت» به یک «ضرورت حیاتی» برای سلامت و بویایی جامعه ارتقا می‌دهد. ارتباط این دیدگاه با همزیستی، دو لایه و عمیق است: نخست، غزالی هشدار می‌دهد که زن ناآگاه در نقش محوری خود به‌عنوان «نخستین مربی نسل»، قادر به تربیت فرزندان آگاه، صلح‌جو و اهل مدارا نخواهد بود (غزالی، ۲۰۰۵ هـ ص ۱۶۶ و ۱۴۰۴، ص ۱۲۹-۱۳۰). در واقع، مادری که خود در جهل و تعصب به سر می‌برد، ناخواسته همین ویژگی‌ها را به نسل بعد منتقل می‌کند و چرخه خشونت و تفرقه را تداوم می‌بخشد.

**دوم**، غزالی برای اصلاح این وضعیت، به ریشه‌ها می‌پردازد و باورهای تفرقه‌آمیز را به چالش می‌کشد. او با استناد به آیات صریح قرآن (نساء، ۱۲۴ و آل عمران، ۱۹۵) بر برابری کامل زن و مرد در ساحت انسانی و معنوی تأکید می‌کند (الغزالی، ۱۴۰۴، ص ۱۲). از نگاه او، ریشه بسیاری از محدودیت‌ها علیه زنان نه در اسلام اصیل، بلکه در «سنت‌های مردسالارانه» برگرفته از فرهنگ جاهلی و روایات سست است (اسماعیلی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۲؛ غزالی، بی‌تاج، ص ۷۱). او محرومیت زنان از آموزش و حضور فعال در جامعه مانند منع آنان از حضور در مساجد (غزالی، ۱۴۱۲، ص ۱۶۰) را یکی از دلایل اصلی عقب‌ماندگی و ضعف جوامع اسلامی می‌داند (همان، ص ۱۶۵).

در نهایت، غزالی با اشاره به نقش برجسته زنانی مانند عایشه و ام سلمه در صدر اسلام (همان، ص ۱۵۸-۱۶۵) نشان می‌دهد که احیای جایگاه حقیقی زن و توانمندسازی او از طریق آموزش، صرفاً یک اقدام فردی نیست، بلکه یک استراتژی کلان برای بازگشت به اسلام اصیل و شرطی ضروری برای تحقق توسعه و همزیستی پایدار است.

### ۹. وحدت امت اسلامی؛ هدف نهایی همزیستی

از نظر غزالی، هدف غایی همه این راه‌ها، ایجاد امت واحد اسلامی است که در سایه برادری و عدالت، زندگی مسالمت‌آمیزی را تجربه کنند. او اعتقادی به مرزهای جغرافیایی ندارد و بسیار فراتر از آن فکر می‌کند. از منظر غزالی هر جا مسلمانی زندگی می‌کند، آنجا کشور بزرگ اسلامی است. وی در این باره می‌نویسد: «وطن کوچک ما سرزمین نیل است که مورد توجه ماست؛ ولی وطن بزرگ‌تر ما سرزمینی است که عرب آن را در اختیار دارد و مورد علاقه ماست؛ اما وطن عالی ما منطقه‌ای است که همه مسلمانان را طبق یک اصول



و فکر و عقل با یکدیگر مربوط ساخته و قلب‌هایشان با یکدیگر رابطه دارد» (غزالی، ۱۳۴۹، ص ۲۱۰).

#### ۱-۹. نقد ناسیونالیسم عربی

به عقیده غزالی وحدت عربی منهای اسلام هیچ توفیقی نخواهد داشت. وی ضمن انتقاد شدید از ناسیونالیسم عربی می‌نویسد: «اگر وحدت اعراب و دعوت به ناسیونالیسم عربی به شیوه حزب بعث عربی باشد، امیدوارم خداوند این اتحاد را موفق نگرداند و زمینه‌های آن را نیز فراهم ننماید. عرب منهای اسلام مساوی است با صفر؛ و چنانچه اسلامی در کار نباشد، این اتحاد هیچ ارزشی ندارد. ما هم نیازی به آن نخواهیم داشت» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹).

غزالی بر این باور است که ملی‌گرایی‌ای که اعراب پیش‌ازین با آن آشنا بودند، با اسلام پیوستگی دارد و ماهیتی نژادپرستانه ندارد؛ برخلاف ملی‌گرایی نازی‌ها در آلمان یا صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی. ویژگی‌های اصلی این نوع نگرش، عدالت و تسامح است. فتوحات اسلامی و پیوند اعراب با غیر عرب، نژادی خالص باقی نگذاشته است که کسی بتواند به آن افتخار کند و پژوهش‌های امروزی نیز این موضوع را تأیید می‌کنند. غزالی در این باره می‌نویسد: «ادعای خالص بودن نژاد و جنس، چیزی جز افسانه نیست. مردم با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند و نژادها و خون‌ها باهم درمی‌آمیزند» (غزالی، ۱۹۷۷، ص ۲۵).

غزالی دیدگاه‌هایی را که اندیشه ملی‌گرایی را اساس فتوحات اسلامی می‌دانند، به شدت رد می‌کند. از نظر غزالی، ملی‌گرایی بر پایه جنس و نژاد نیست؛ بلکه بر پایه زبان، یعنی زبان قرآن است. عرب‌گرایی در اینجا به معنای تعلق به زبان عربی است و هر سخن‌گوی به این زبان، عرب محسوب می‌شود. پیامبر (ص) با معرفی سلمان و صهیب به‌عنوان اهل بیت، در واقع، به همه سلمان‌های فارسی و صهیب‌های رومی نظر داشتند. غزالی درباره خود چنین می‌نویسد: «من مصری عرب مسلمان هستم و اگر زبان وحی نبود، میان من و عرب و زبان عربی پیوندی برقرار نمی‌شد. خون، نژاد و پوست نمی‌توانستند مرا به زبان وحی پیوند دهند. هاشمی بودن مرا شادمان نمی‌کند. در نزد من، اسلام مایه شرف و بزرگی است» (غزالی، ۱۹۸۹، ص ۳۳۵).

این نگاه انتقادی به ناسیونالیسم قومی، ریشه در این باور او دارد که تنها اسلام می‌تواند به‌مثابه یک ایدئولوژی فراگیر، مسلمانان را با هر نژاد و زبانی متحد کند. تجربه تاریخی



نیز نشان داده است که هرگاه مسلمانان بر اساس قومیت و نژاد تقسیم شده‌اند، دچار ضعف و انحطاط شده‌اند.

## ۲-۹. اتحاد اهل باطل و تفرقه اهل حق

غزالی با تأسف به این نکته اشاره می‌کند که در جهان معاصر، کافران و دشمنان اسلام بر اختلافات خود سرپوش می‌گذارند و متحد می‌شوند؛ درحالی‌که مسلمانان بر سر مسائل جزئی با یکدیگر می‌جنگند. او می‌نویسد: «فرقه‌های مختلف و متخصص مسیحی، جنگ‌های دینی را که در خلال قرون وسطا میان ایشان شعله‌ور بود، به دست فراموشی سپردند و اختلافات مهمی را که گاهی تا عمق عقایدشان نفوذ می‌کرد و ایشان را از نظر اصول عقیده از هم جدا می‌ساخت، یک‌باره به دور افکندند و مقرر داشتند که در برابر مسلمین به صفی واحد درآیند و جبهه‌ای نیرومند تشکیل دهند؛ ولی مسلمین بر سر امور واهی همچنان دستخوش خصومت و اختلاف مانده‌اند» (غزالی، ۱۳۶۰، ص ۳۰۸).

## جمع‌بندی و تحلیل در قالب جدول

برای جمع‌بندی دیدگاه‌های غزالی، می‌توان راه‌های پیشنهادی او را در قالب جدول زیر دسته‌بندی و تحلیل کرد:

ساحت	راهبرد پیشنهادی	مبنای نظری (از نگاه غزالی)	نمونه عملی (در تاریخ/آرمان)	نقد و ارزیابی
اعتقادی- انسانی	برادری و برابری انسانی (بدون تبعیض نژادی، قومی و طبقاتی)	کرامت ذاتی انسان (اسراء، ۷۰)، وحدت نفس بشری (نساء، ۱)	نمازخواندن پشت سر امام سیاه‌پوست، برابری صحابه در بیعت	نقطه قوت در نقد تبعیض؛ نگاه انتقادی به غرب نیازمند بروزرسانی است.
معرفتی	بازگشت به قرآن و فهم مقاصد سنت با نقد بدعت‌ها	قرآن به‌عنوان «تنه درخت»، سنت به‌عنوان تبیین‌کننده با فهم زمینه‌اند	روش اجتهادی خلفا (منع مؤلفه قلوبهم توسط عمر)	نقطه قوت در مبارزه با جمود فکری؛ نیازمند توسعه مبانی هرمنوتیک



فرهنگی	پذیرش اختلاف فقهی و پرهیز از تعصب مذهبی	طبیعی بودن اختلاف نظر (سنت الهی)، ارج گذاشتن به دیدگاه مخالف	دفاع از فتوای شیخ شلتوت در به رسمیت شناختن مذهب شیعه	رویکردی ممتاز و کم نظیر در جهان اسلام؛ نیازمند نهادینه سازی
اجتماعی - اقتصادی	عدالت اجتماعی و انفاق	مبارزه با خودخواهی و بخل، تأکید بر انفاق در قرآن	سند وقف بیمارستان قلاوون (خدمات رایگان و فراگیر)	ارائه الگوی موفق از تمدن اسلامی؛ قابلیت تطبیق با نهادهای مدرن تأمین اجتماعی
سیاسی	نفی استبداد و نهادینه سازی شورا	شورا به عنوان واجب عینی، نفی قدرت مطلق	مقایسه دموکراسی غربی با شورای اسلامی و اعتراف به عقب ماندگی مسلمانان	مهم ترین و مترقی ترین نقطه قوت؛ اما فاقد مدل اجرایی مشخص
آموزشی - توسعه ای	حق آموزش برای همه آحاد جامعه	برابری زن و مرد در علم و ثواب (آل عمران، ۱۹۵)، نقد سنت های جاهلی	نقش تاریخی زنان در نشر حدیث و تمدن اسلامی (عایشه، ام سلمه)	بسیار مترقی و بنیادین برای توسعه پایدار؛ نیازمند توجه به موانع ساختاری

### ج) جمع بندی و نتیجه گیری

بررسی اندیشه های شیخ محمد غزالی نشان می دهد که مسئله همزیستی مسالمت آمیز در نگاه او صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه بخشی از یک طرح اصلاحی گسترده برای بازسازی جامعه اسلامی است. وی با بازگشت به منابع اصیل اسلامی و در عین حال توجه به تحولات جهان معاصر تلاش می کند مبانی نظری و عملی همزیستی را در سطوح مختلف اجتماعی تبیین کند.

یافته های پژوهش نشان می دهد راهکارهای پیشنهادی غزالی را می توان در شش ساحت اصلی دسته بندی کرد: در ساحت اعتقادی-انسانی، او با تأکید بر کرامت ذاتی انسان و برادری اسلامی، هرگونه تبعیض نژادی، قومی و طبقاتی را نفی می کند. در ساحت



معرفتی، بازگشت به قرآن و سنت و فهم مقاصدی از دین را راهی برای مقابله با جمود فکری و بدعت‌گرایی می‌داند. در ساحت فرهنگی، پذیرش اختلافات فقهی و پرهیز از تعصب مذهبی را شرط مهم همگرایی میان مسلمانان معرفی می‌کند. در ساحت اجتماعی-اقتصادی، عدالت اجتماعی، انفاق و نهادهایی مانند وقف را بستر مادی همزیستی می‌داند. در ساحت سیاسی، با نقد استبداد و تأکید بر اصل شورا، ساختار قدرت مشارکتی را پیش شرط تحقق وحدت اجتماعی معرفی می‌کند. در نهایت، در ساحت آموزشی بر حق آموزش همگانی و به‌ویژه آموزش زنان تأکید می‌کند و آن را عاملی اساسی در توسعه و شکل‌گیری جامعه‌ای همزیست می‌داند.

در مجموع، اندیشه شیخ محمد غزالی تلاشی برای پیوند دادن هم‌زمان «وحدت اسلامی»، «عدالت اجتماعی»، «نفی استبداد» و «توسعه انسانی» است. هرچند آثار او کمتر به ارائه الگوهای نهادی دقیق برای تحقق این اهداف در شرایط دولت‌های مدرن می‌پردازد، اما چهارچوب نظری وی ظرفیت قابل توجهی برای بازخوانی و تطبیق با مسائل معاصر جهان اسلام دارد و می‌تواند مبنایی برای گفت‌وگوهای جدید درباره همگرایی و همزیستی در جوامع اسلامی باشد.



۱. اسماعیلی، زیبا، تحلیل انتقادی اندیشه‌های غزالی درباره زنان با تکیه بر بستر تاریخی جامعه اسلامی، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، دوره ۱۴، شماره ۱، ۱۴۰۳، ص ۹۵-۱۱۸.
۲. عبدالسمیع، عمرو، (۱۴۲۱ق/۲۰۰۰ م) الاسلامیون، صوت للحوار و صوت للخصام، القاهره، الدار المصریه اللبنانیه.
۳. عویس، عبدالحلیم، (۱۴۲۱ق/۲۰۰۰ م) الشیخ محمد الغزالی؛ تاریخه و جهوده و آراؤه، دمشق، دارالعلم.
۴. غزالی، محمد، (۱۳۴۹) اسلام و بلاهای نوین، (ترجمه مصطفی زمانی)، تهران، مؤسسه مطبوعاتی فراهانی.
۵. غزالی، محمد، (۱۳۶۰) محاکمه اگناس گلکزیه صهیونیست، بی جا، بی نا.
۶. غزالی، محمد، (۱۳۹۴) حقیقت دین و یا افسانه خرافات، (ترجمه محمد محقق)، نشر دیجیتال موحدون.
۷. غزالی، محمد، (۱۳۹۹) منشور یگانگی فرهنگی میان مسلمانان، (ترجمه محمدحسین امیراردوش)، قم، انتشارات ادیان.
۸. غزالی، محمد، (بی تا ب) اسلام و شرایط اقتصادی، جلد دوم (ترجمه سیدخلیل خلیلیان)، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۹. غزالی، محمد، (بی تا ج) الدعوه الاسلامیه فی قرن الحالی، قاهره، دارالشروق.
۱۰. الغزالی، محمد، (۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م) حقوق الانسان بین تعالیم الاسلام و اعلام الامم المتحده، القاهره، دار التوفیق النموذجیه.
۱۱. الغزالی، محمد، (۱۴۱۲ق/۱۹۹۱م) تراثنا الفکری فی میزان الشرع و العقل، ویرجینیا، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، چاپ دوم.
۱۲. الغزالی، محمد، (۱۴۱۸-۱۹۹۸) لیس من الاسلام، قاهره، دارالشروق.
۱۳. الغزالی، محمد، (۱۹۷۷) حقیقه القومیه العربیه و اسطوره البعث العربی، قاهره، دار الکتب الحدیثه، چاپ سوم.
۱۴. الغزالی، محمد، (۱۹۸۹) مائه سوال عن الاسلام، قاهره، دار ثابت للنشر و التوزیع، چاپ چهارم.
۱۵. الغزالی، محمد، (۱۹۹۷) الإسلام و الإستبداد السیاسی، قاهره، نهضه مصر للطباعه و النشر.
۱۶. الغزالی، محمد، (۱۹۹۸م) السنه النبویه بین اهل الفقه و اهل الحدیث، القاهره، دارالشروق.
۱۷. الغزالی، محمد، (۲۰۰۵الف) جدد حیاتک، قاهره، نهضه مصر.

